



The Marv Dasht silver vessel and its meaning

François Desset

Abstract

Discovered during an irregular excavation in 1966 and published by W. Hinz in 1969, the so-called Silver Vessel of Marv Dasht, with its late Proto-Iranian/Linear Elamite inscription (Linear Elamite Inscription no. 17/Q), remained undeciphered until recently. While the vessel was likely produced in Central Asia in the late 3rd millennium BCE, its inscription can be attributed to 21st century BCE southwestern Iran. Thanks to the recent decipherment of the late Proto-Iranian/Linear Elamite script, this 4,000-year-old Hatamtite/Elamite text, among others, can now be read. A preliminary translation is provided here. The text involves two previously unknown characters and was commissioned by Šūwar-Asu (Šowar-Asu or Šuwar-Asu), who gifted this vessel to Hūmšat (Homšat or Humšat), the Lady of Marapša(y)i (maybe a goddess), and placed it in the temple of Hiš(-)mani-r, possibly near Anzan.

Keywords: Late Proto-Iranian / Linear Elamite writing system; Hatamtite / Elamite language; Tal-e Malyan; Anzan; Bronze Age.

<https://doi.org/10.6084/m9.figshare.14752668.v1>
© 2020 Iran National Museum. All rights reserved

جام سیمین مرودشت و رازهای آن

فرانسوا دوسه* با همکاری کامبیز طبیب زاده، متیو کروران، ژان پی ترؤ با سلو و جیانی مار کزی

چکیده

جام سیمین مرودشت در جریان یک حفاری غیر مجاز در سال ۱۳۴۵ خورشیدی کشف و جزئیات آن توسط والتر هینتز (W. Hinz) در سال ۱۳۴۸ خورشیدی منتشر شد. جام سیمین مرودشت و کتیبه آغاز-ایرانی جدید / عیلامی خطی (Linear Elamite Inscription no. 17/Q) حک شده بر روی آن تا چندی پیش رمزگشایی نشده بود. در حالی که این ظرف احتمالاً در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد در آسیای مرکزی ساخته شده، کتیبه آن را می توان به جنوب غربی ایران در سده ۲۱ پیش از میلاد نسبت داد. به لطف رمزگشایی اخیر خط آغاز-ایرانی جدید / عیلامی خطی، اکنون می توان این کتیبه ۴۰۰۰ ساله هَتَمْتِیایی / عیلامی زبان را، در کنار دیگر کتیبه های نگاشته شده به این خط، خواند. خوانش اولیه آن در این جا ارائه شده است. این متن به دو شخصیت اشاره دارد که تاکنون ناشناخته بودند. این کتیبه توسط شوور-آسو (شوور-آسو یا شوور-آسو) سفارش داده شده است. او این ظرف را به هومشَت (هومشَت یا هُمشَت؛ شاید یک الهه)، بانوی مَرپَشی، هدیه داده و آن را در معبدِ هیش(-)مَنی-ر، احتمالاً نزدیک به اَنزَن، نهاده است.

واژگان کلیدی: سیستم نگارش آغاز-ایرانی جدید / عیلامی خطی؛ زبان هَتَمْتِیایی / عیلامی؛ تل ملیان / اَنزَن؛ دوره مفرغ.



تصویر ۱. جزئیات جام مرودشت؛ متن آغاز-ایرانی جدید LEI17/Q؛ سده ۲۱ پیش از میلاد؛ (با مجوز موزه ملی ایران. فرانسوا دوسه)

خط آغاز-ایرانی جدید و زبان هَتمتییایی

سیستم نگارش آغاز-ایرانی جدید (یا عیلامی خطی) نسخه جدیدتری از سیستم نگارش آغاز-ایرانی قدیم (یا آغاز عیلامی) است (Desset 2022) که طبق دانش کنونی ما، در جنوب ایران بین سال‌های ۲۳۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش از میلاد مورد استفاده قرار می‌گرفته است (تصویر ۲).

اگرچه این سیستم نگارش نخستین بار پیش از سال ۱۹۰۳ میلادی در شوش کشف شده، اما تا چندی پیش رمزگشایی نشده باقی مانده بود. نویسنده با همکاری کامبیز طبیب‌زاده، متیو کروان، ژان پیترو باسلو و جیانی مارکزی، طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ میلادی موفق به رمزگشایی آن شد (Desset et al. 2025 و Desset 2018، Desset et al. 2022). از ۱۸۶۳ نشانه حک شده بر روی ۴۳ کتیبه‌ای که در حال حاضر به آن‌ها دسترسی داریم، ۱۸۱۰ نشانه (بیش از ۸۷.۱۵ درصد) قابل خواندن هستند (۵ نشانه نادر و ۲۰ نشانه که هرکدام تنها یک بار در متن‌های موجود آمده‌اند، «یکبارینه»، رمزگشایی نشده باقی مانده است). در نتیجه می‌توان گفت که دانش ما از این سیستم نگارش نسبتاً دقیق و کامل است.

هم‌اکنون ۷۲ نشانه خط آغاز-ایرانی جدید مربوط به ۶۷ ارزش آوایی رمزگشایی شده‌اند (به دلیل دوگانه بودن ارزش آوایی نشانه /u/ و /w/، و به علت این‌که برای هریک از ارزش‌های آوایی ک، ه، لی و پی دو نشانه متفاوت وجود دارد). با توجه به دیرینگی و هم‌زمانی این سیستم نگارش با نگارش هیروگلیف در مصر و خط میخی در میان‌رودان، نویسنده تا سال ۲۰۱۸ میلادی معتقد بود که خط آغاز-ایرانی جدید تنها می‌تواند یک سیستم نگارشی ترکیبی (با نشانه‌های واژه‌نگار و آوانگار) باشد، اما پس از رمزگشایی دیدگاه او تغییر کرد و به این نتیجه رسید که در واقع ۷۲ نشانه رمزگشایی شده همه آوانگار هستند! تا جایی‌که مشخص شده، نگارش آغاز-ایرانی جدید، یک سیستم الفبایی /هجایی (الفاسیلابری) است. این

سیستم نگارش مطابق با یک شبکه آوایی عمل می‌کند که پیرامون ۵ واکه (ا، ا، او، ای) و ۱۲ همخوان (با صامت) (پ، ت، ز، س، ش، ک، ل، م، ن، و، ه) می‌چرخد که در نتیجه ۶۰ (۱۲×۵) ارزش هجایی به‌وجود می‌آورد (پ، پ، پ، پ، پ، پ، ت، ت، ت، ت، تو، تی ...). (بنگرید به دوسه ۱۴۰۱). این سیستم نگارش از نظر تئوری می‌بایست شامل ۷۷ ارزش آوایی باشد (۵+۱۲+۶۰) (به تصویر ۳ نگاه کنید).

رمزگشایی خط آغاز-ایرانی جدید ثابت کرد که این خط برای ثبت زبان هَتمتییایی (یا زبان عیلامی) استفاده می‌شده است. زبان هَتمتییایی احتمالاً از بقایای یک گروه زبانی بزرگ‌تر در هزاره سوم پیش از میلاد بوده و نیز این زبان نشان دهنده تفاوت‌های گویشی /لهجه‌ای بین منطقه‌ای طی سده‌ها است. بر مبنای مستندات موجود از این زبان، زبان هَتمتییایی در حال حاضر ظاهراً در دسته زبان‌های منفرد قرار دارد؛ هرچند فرضیه‌هایی وجود دارد که می‌کوشند زبان هَتمتییایی را به «زبان‌های دراویدی هند-پاکستان»، «گروه زبانی آفریقایی-آسیایی» یا «زبان‌های قفقازی» متصل کنند. اگرچه تاکنون زبان هَتمتییایی تنها از طریق شمار محدودی کتیبه‌های میخی سده بیست و سوم تا سده چهارم پیش از میلاد مستند شده، با این وجود برخی بر این باور هستند که این زبان سرانجام در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی و در جنوب غربی ایران ناپدید شده است. توضیح این‌که در آثار جغرافی‌دانان ایرانی که به زبان عربی نوشته شده، احتمالاً به نوع تحول‌یافته زبان هَتمتییایی به نام «خوزی» اشاره شده است؛ زبانی که به گفته آن‌ها یادگیری آن بسیار دشوار بود، نه عربی، نه فارسی، نه سریانی و نه عبری بود (بنگرید به Van Bladel 2021). با این اوصاف، آگاهی ما از واژگان و دستور زبان این زبان مرده و ظاهراً منفرد، بسیار محدود است. ما هم‌اکنون قادر به خواندن متن‌های این زبان (به هر دو خط میخی و خط آغاز-ایرانی جدید) هستیم، اما هنوز با مشکلاتی نظیر مشکلات زبان ایتروسکی (در ایتالیا)



تصویر ۲. نقشه کلی محوطه‌های باستانی اشاره شده در متن. مکان‌هایی که کتیبه‌های آغاز-ایرانی جدید در آن‌ها یافت شده با ستاره سیاه نمایش داده شده‌اند (فرانسوا دوسه).

ای	او	!	ا	آ	ا	ا	ا
پی	پو	پ	پ	پ	پ	پ	پ
تی	تو	ت	ت	ت	ت	ت	ت
ری	رو	ر	ر	ر	ر	ر	ر
زی	زو	ز	ز	ز	ز	ز	ز
سی	سو	س	س	س	س	س	س
شی	شو	ش	ش	ش	ش	ش	ش
کی	کو	ک	ک	ک	ک	ک	ک
لی	لو	ل	ل	ل	ل	ل	ل
می	مو	م	م	م	م	م	م
نی	نو	ن	ن	ن	ن	ن	ن
وی	وو	و	و	و	و	و	و
هی	هو	ه	ه	ه	ه	ه	ه

تصویر ۳. شبکه آوایی نظام نگارشی الفبایی / هجایی (آلفاسیلابری) آغاز-ایرانی جدید بر اساس الفبای عربی-فارسی امروزی (فرانسوا دوسه)

جام سیمین مرودشت

از میان ۴۳ کتیبه آغاز-ایرانی جدید که تاکنون شناسایی شده‌اند، تنها دو کتیبه در ایران نگهداری می‌شوند. یکی از این کتیبه‌ها بر لبه یک ظرف سفالی (متن آغاز-ایرانی جدید LEI19/S) قرار دارد که از گورستان شهداد کشف شده است. اما زیباترین کتیبه‌ای که تاکنون یافت شده بر روی یک جام سیمین به دست آمده از مرودشت، نقش بسته است (متن آغاز-ایرانی جدید LEI17/Q؛ به تصاویر ۴ و ۵ نگاه کنید).

در زمینه ترجمه و فهم متن‌ها روبرو هستیم؛ یک بازبازی زبانی واقعی تنها از طریق دستیابی به متن‌های چند زبانه ممکن خواهد بود (متنی به زبان هَتمتایی که به چند زبان شناخته شده دیگر نیز ترجمه شده باشد). در این راستا، کتیبه‌های شاهی سه زبانه هخامنشی از سده ششم تا چهارم پیش‌ازمیلاد (به زبان‌های پارسی‌باستان، هَتمتایی و آکدی) همچنان سنگ بنای اصلی ما در فهم زبان هَتمتایی از طریق سنجش آن با زبان‌های شناخته شده‌تری همچون پارسی‌باستان (از خانواده هند و اروپایی) و آکدی (از خانواده سامی) است.



تصویر ۴. جام سیمین مرودشت؛ (با مجوز موزه ملی ایران، فرانسوا دوسه).



تصویر ۵. جام سیمین مرودشت؛ (با مجوز موزه ملی ایران، فرانسوا دوسه).

که در آن بقایای یک کوزه سفالی را پیدا کرد و احتمالاً جام سیمین در آن قرار داشته است. همچنین یک پلاک مسی تزئین شده و چندین مهره نیز در محل کشف ظرف سیمین پیدا شدند (سرفراز ۱۳۹۶، قابل مقایسه با 11: 1969 Hinz که به سه سنجاق مفرغی، یک سگک کمر بند مفرغی با نقش نخل، و تعداد زیادی مهره سنگ‌های نیمه قیمتی اشاره دارد). در مجموعه متن‌های آغاز-ایرانی جدید، سه گروه از کتیبه‌ها بر روی ظرف‌های فلزی (سیمین) ثبت شده‌اند (گروه ۳

این کتیبه بر روی یک ظرف استوانه‌ای شکل به ارتفاع ۱۹ سانتی‌متر نقش بسته است (قطر لبه: ۹ سانتی‌متر؛ قطر پایه: ۱۱ سانتی‌متر) که در سال ۱۳۴۵ خورشیدی در ۱۰۵ کیلومتری شمال غرب تخت جمشید، میان سکوی هخامنشی و روستای جلیل‌آباد، در باغ آقای سالارخان کاووسی در موقعیت تقریبی $29^{\circ}56'39.01''N/52^{\circ}52'30.75''E$ کشف شد. آقای علی‌اکبر سرفراز، باستان‌شناسی بود که از طرف موزه ملی ایران برای انجام کاوش به این منطقه اعزام شد. او یک ترانسه باز کرد

با توجه به نوع و شمایل‌نگاری این جام سیمین^۷، احتمالاً این شی در گستره تمدن خراسان بزرگ/آکسوس در اواخر هزاره سوم پیش‌ازمیلاد^۸ تولید شده (به تصویر ۲ نگاه کنید) و نوشته‌ها بعداً، پس از رسیدن به فارس از طریق تجارت یا به عنوان غنیمت یا هدیه، به آن افزوده شده است. این کتیبه به دقت درست زیر لبه جام با علامت‌هایی ظریف بین دو خط موازی، با فاصله ۱۳ میلی‌متر از یکدیگر حکاکی شده است (همچنین نقطه‌ها با استفاده از یک پانچ به قطر ۱ میلی‌متر ایجاد شده‌اند). این ارتفاع هم‌تراز با صورت زن ایستاده است که به نظر می‌رسد با نگاه به ابتدای کتیبه، آغاز متن را اعلام می‌کند، در حالی که پایان نوشته درست پشت سر او قرار دارد (به تصویر ۶ نگاه کنید). احتمالاً تصادفی نیست که این کتیبه ۴۴ نشانه‌ای به دو «جمله» تقسیم شده است، که هر کدام شامل ۲۲ نشانه است. به‌رغم برنامه‌ریزی دقیق برای نوشتن کل کتیبه بر لبه ظرف، آخرین نشانه کتیبه، یعنی 𐎧𐎫 (در مقابل، نخستین نشانه متن، یعنی 𐎧𐎫 با فاصله از بینی زن ایستاده حک شده است با توجه به این‌که دو زن بر روی ظرف به روش برجسته‌کاری و حکاکی نمایش داده شده‌اند (به تصویر ۷ نگاه کنید) و نام دو نفر نیز در متن ذکر شده است (شُور-آسو و هُومشت، که حداقل یکی از آن‌ها شخصیتی زنانه است) می‌توان این کتیبه را به عنوان یک استفاده هوشمندانه از یک شیء از پیش ساخته شده برای هدفی دیگر در نظر گرفت، به خصوص اگر این ظرف واقعاً از آسیای مرکزی آمده باشد.

منشأ دقیق این ظرف سیمین نامشخص است و محل کشف آن ممکن است تنها یک مکان ثانویه باشد. با این حال، نشانه‌های موجود بر روی این ظرف با کتیبه‌های شوشی پوزور-سوشینک (۲۱۵۰ تا ۲۱۰۰ پیش‌ازمیلاد) و جام‌های سیمین یافت‌شده در منطقه کام‌فیروز (۲۰۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش‌ازمیلاد)، حدود ۷۵ کیلومتری شمال غرب تخت‌جمشید، مرتبط هستند (به تصویر ۲ نگاه کنید). تمام این شواهد اعتبار دشت مرودشت / آئرن را به عنوان مکان حکاکی این نشانه‌ها تأیید می‌کند. نشانه‌های آغاز-ایرانی جدید استفاده شده در متن LEI17/Q، برخی ویژگی‌های مشترک با کتیبه‌های پوزور-سوشینک و گروه جام‌های سیمین کام‌فیروز دارند. نشانه‌های

LEI17/Q؛ گروه ۴^۱؛ گروه ۶^۲ که به نظر می‌رسد آن‌ها به‌عنوان بستری ویژه برای کتیبه‌نگاری مورد استفاده بوده‌اند (۱۷ مورد از ۴۳ کتیبه، معادل ۳۰.۵ درصد از متن‌های آغاز-ایرانی جدید)^۳. هیچ‌یک از این اشیاء از کاوش‌های علمی باستان‌شناسی به دست نیامده‌اند و می‌توان فرض کرد که بیشتر آن‌ها از گورها یا گنجینه‌ها به دست آمده باشند، زیرا این تنها توضیحی است که برای حفظ این اشیای ارزشمند در طول زمان وجود دارد.

با این حال، کارکرد تدفینی برای این ظروف جنبه ثانویه دارد؛ احتمالاً آن‌ها پیش از قرار گرفتن در گورها، کاربرد دیگری داشته‌اند. احتمال می‌رود که این ظرف‌ها به معابد اهدا شده و در آن‌جا همچون گنجینه‌ای ارزشمند در کمدهای چوبی^۴، نگهداری می‌شده‌اند. متن‌های روی آن‌ها می‌توانند دریچه‌ای به ادبیات مذهبی و دعا‌های آن زمان باشند که در قالب معادله‌های استاندارد برای دعا گفتن و یا نفرین کردن دشمن استفاده می‌شده‌اند. ممکن است این ظروف در مراسمی همراه با غذا و نوشیدنی به عنوان اجناس گرانبه‌ای وقفی، دربردارنده متونی حاوی دعا‌های حاکمان به خداوند برای محافظت و برکت، به نمایش عمومی درمی‌آمده‌اند. در راستای همین فرضیه، کتیبه‌ای (LEI17/Q) که بر لبه جام مرودشت حک شده، نشان می‌دهد که این جام نیز به معبد (سین) اهدا شده است. از میان تمامی اشیای وقفی داخل معبد، تقریباً تمام آن‌ها نابود شده‌اند و تنها تعداد اندکی، از جمله این ظرف‌های سیمین، به گورها منتقل شده و از اقبال ما بوده که تا این زمان حفظ شده‌اند.

جام سیمین مرودشت، که هم‌اکنون در موزه ملی ایران در تهران نگهداری می‌شود^۵، سالم است، به جز نشانه 𐎧𐎫 در واژه ش-ر-ه که گویا به تازگی خراشیده شده است (در عکس منتشر شده توسط هینتس در سال ۱۹۶۹ میلادی نیز این خراشیدگی دیده می‌شود؛ به تصویر ۶ نگاه کنید). همچنین به جام نیز احتمالاً در هنگام کاوش آسیب دیده است. لازم به ذکر است که لایه فلزی ته ظرف دو بار به سمت بالا و پایین تا شده (به تصویر ۵ نگاه کنید)، که شاید این فن برای متصل کردن بدنه شبه استوانه‌ای ظرف به ته ظرف استفاده شده است^۶. در نهایت، ورق فلزی در قسمت زیر چانه زن نشسته دارای دو سوراخ است (به تصویر ۷ نگاه کنید) که احتمالاً به دلیل کشش بیش از حد ورق نقره‌ای در هنگام تزئین رخ داده است.

7. Potts 2008, Calmeyer 1989: 80.

این ظرف بسیار شبیه به یک جام سیمین بزرگ‌تر است که در گور شماره ۳۲۲۰ در گورستان گونور دپه یافت شده است.

(Sarianidi 2005: 250-252, figs. 95-97).

۸. اما به سبک گل مهر به اصطلاح «نشنی / érie populaire» در اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم پیش‌ازمیلاد در جنوب غربی ایران (شوش و فارس/تل ملیان) توجه کنید، جایی که زنان به‌طور مشابه به تصویر کشیده شده‌اند، شاید اشاره‌ای به تولید محلی برای جام مرودشت باشد Lambert 1979, pl. 5, fig. 42e, Amiet 1986, fig. 113.5 and 114.1-6, Amiet 2007, fig. 3, Porada 1990, pl. 2, no. 1b, 2b, 3b, 4b, and pl. 3 no. 2, Steve 1989. برای تل ملیان به Sumner 1974, fig. 12 و مصاحبه شفاهی با جان آلدن مراجعه کنید.

1. LEI37/K', LEI35/T', LEI32/F', LEI34/H', LEI36/J', LEI41/P', LEI24/X, LEI42/Q', LEI43/R', LEI26/Z, LEI25/Y

2. LEI23/W, LEI39/N', LEI40/O', LEI27/A', LEI38/M'

3. Desset et al. 2025

۴. این کمد چوبی در زبان سومری (gu2-ne-saĝ-ga2) نامیده می‌شود. برای مطالعه بیشتر در مورد این اصطلاح، بنگرید به Owen 2013, 30-31.

۵. در تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۷، به لطف همکاری صمیمانه دکتر جبرئیل نوکنده، آقای یوسف حسن‌زاده و دکتر محمدحسین عزیزی خرائقی از نزدیک موفق به بررسی جام سیمین مرودشت در موزه ملی ایران شدم.

6. Calmeyer 1989: 81-82.



تصویر ۶. کتیبه آغاز-ایرانی جدید LEI17/Q بر روی جام سیمین مرودشت (با مجوز موزه ملی ایران، فرانسوا دوسه).



تصویر ۷. جزئیات دو شخصیت زن به تصویر کشیده شده بر روی جام سیمین مرودشت (با مجوز موزه ملی ایران، فرانسوا دوسه).

(۲) سپس این جام به جنوب غربی ایران (احتمالاً فارس) آورده شده است، جایی که در سده ۲۱ پیش از میلاد کتیبه LEI17/Q به خط آغاز-ایرانی جدید بر روی آن حکاکی شده است؛ (۳) پس از آن، این جام احتمالاً بلافاصله در معبد هیش-منی، که شاید در نزدیکی شهر آنزن قرار داشته، نهاده شده است؛ (۴) پس از مدتی، این جام از معبد خارج و در یک گور (یا گنجینه) نزدیک تخت جمشید دفن شده است؛ (۵) این گور (یا گنجینه) در سال ۱۹۶۶ میلادی کشف شد. اکنون، جام سیمین مرودشت در موزه ملی ایران نگهداری می شود.

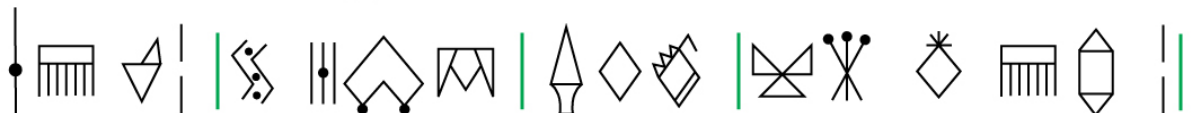
ن، رها و آ، مشابه کتیبه های پوزور-سوشینک هستند، در حالی که نشانه های م، نو، و ت به جام های کام فیروز مرتبطند. به همین دلیل، احتمالاً می توان کتیبه LEI17/Q را به دوره های میان حکومت های پوزور-سوشینک و ایتاتو یکم، بین سال ها ۲۱۰۰ و ۲۰۰۰ پیش از میلاد، نسبت داد.

به طور کلی، می توان تاریخچه جام سیمین مرودشت را در پنج مرحله بازسازی کرد:

(۱) این جام احتمالاً در آسیای مرکزی (تمدن خراسان بزرگ / آکسوس) در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد تولید شده است؛

کتیبه آغاز-ایرانی جدید LEH17/Q بر روی جام سیمین مرودشت

نویسه‌گردانی


 za-na ma-ra-p₂-š-ša-i-r šu-wa-r-a-su

 la-ni-i-na u ša-ri-h si-a-n hi₂-š^(*) ma-ni-ri₂-na

 hu₂-m-š-ša-t ki₂-ri nu te-na ti-a-h

تصویر ۸. رونوشت کتیبه آغاز-ایرانی جدید LEH17/Q (از چپ به راست) و نویسه‌گردانی بر اساس سیستم منتشرشده در Dasset et al. 2022 (فرانسوا دوسه).

za-na | ma-ra-p₂-š-ša-i-r | šu-wa-r-a-su | la-ni-i-na | u ša-ri-h | si-a-n | hi₂-š^(*) ma-ni-ri₂-na |
 hu₂-m-š-ša-t | ki₂-ri nu te-na ti-a-h


 زَنَ مَ رَ پَ شَ شَ اَی رَ شُ وَ رَ اَ سَ وَ لَ نَی اَی نَ اَ شَ رَ هَ

 سَی اَ ن هَی شَ مَ نَی رَی نَ هُ وَ مَ شَ شَ تَ کَ رَ نُ وَ تَ نَ تَی اَ هَ

تصویر ۹. رونوشت کتیبه آغاز-ایرانی جدید LEH17/Q (از راست به چپ) و نویسه‌گردانی بر اساس الفبای عربی-فارسی امروزی (فرانسوا دوسه).

زَنَ | مَ رَ پَ شَ شَ اَی رَ | شُ وَ رَ اَ سَ وَ | لَ نَی اَی نَ | اَ شَ رَ هَ
 سَی اَ ن | هَی شَ مَ نَی رَی نَ | هُ وَ مَ شَ شَ تَ | کَ رَ نُ وَ تَ نَ تَی اَ هَ

آوانویسی

زَنَ مَرِیشی رَ شُ وَر اَسو لَنی اَی نَ اَ شَر هَ
 سَی اَن هَی شَ مَ نَی رَی نَ هُ وَم شَ شَ تَ کَ رَ نُ وَ تَ نَ تَی هَ

(برای ؟) بانوی مَرِیشی، (من ؟) شُ وَر اَسو، (این جام) سیمین را من ساخته‌ام.

(در) معبد هیش (-مَنی رَ، (برای خدا / الهه ؟) هُ وَم شَ شَ تَ، (از روی ؟) تقدس / پرستش (را ؟)، (برای تو، به مهربانی، قرار دادم / پیشکش کردم.

برای(ی) اشاره شده است، که ممکن است هُ وَم شَ شَ تَ، بانوی

مَرِیشی، باشد.

واژگان اساسی:

زَنَ: بانو

لَنی اَی نَ: از نقره، سیمین

اَ: من

شَر: ساختن/ایجاد کردن (یک شیء فلزی)؛ شَر هَ: ساخته‌ام

سَی نَ: معبد

برگردان

به دلیل ابهام در جمله‌شناسی زبان هَتَمَتیایی و فقدان علامتی برای تمایز میان فاعل و حالت برایی، دو شخصی که در متن ذکر شده‌اند، "من (اُ، فاعل افعال شَر هَ و تَی هَ است)" و "به تو (حالت برایی نو)" را نمی‌توان به طور قطع به شُ وَر اَسو و هُ وَم شَ شَ تَ نسبت داد. از آنجایی که در جمله خست تنها به ساخت/سفارش (شَر هَ) ظرف اشاره شده است، احتمالاً شُ وَر اَسو نقش فاعلی دارد. در حالی که در جمله دوم به وقف (تَی هَ) و در نتیجه وقف‌شونده (نقش حالت

کَر: تقدس، پرستش

نَو: تو

تَی: قرار دادن، جای دادن، وقف کردن، کمک کردن؛ تَی-ه:

قرار دادم

باشد^{۱۱}، با معنای فرضی «(الهه) آسو پیروز/غالب» است^{۱۲}. اگر شَوَر-آسو با تَپیر - آسو مقایسه شود، که در آن تَپیر ممکن است خود نامی الهی باشد (شاید خدای ماه^{۱۳}) در این صورت شَوَر نیز می‌تواند نامی الهی باشد.

هیش(-منی-ر)

این عبارت هنوز به طور کامل روشن نیست. احتمالاً به خاطر وجود پسوند -ن^{۱۴} که به صورت نقش‌نمای اضافه آمده است، به کلمه سَین (به معنای «معبد») مرتبط است. نشانه $\square$ ری در این عبارت ممکن است به دلیل افزودن صدای ی برای اتصال پسوند -ر (که به اسامی زنده اشاره دارد) به پسوند -ن آمده باشد^{۱۵}. به طور کلی، این عبارت می‌تواند به نام (شاید نام ایزد یا نام جغرافیایی) یا صفتی برای معبد اشاره داشته باشد. هیش (-منی-ر) احتمالاً یک صفت یا نام برای سَین (معبد) است. این عبارت می‌تواند نام خاص معبد، یک صفت، نام یک خدا/الهه (مانند نام الهی هیش - میتی - ک، Hiš-miti-k) یا نام یک مکان باشد. به طور کلی، می‌توان آن را به معنای «معبد هیش(-منی-ر)» در نظر گرفت.

مهم نیست چه ترجمه‌ای برای سَین هیش(-منی-ری) - ن پذیرفته شود، این عبارت به مکانی اشاره دارد که قرار بوده جام سیمین حکاکی شده در آن جا قرار داده شود^{۱۶}.

هَومَشَت

نام هَومَشَت (هَومَشَت یا هَومَشَت) که برای نخستین بار است که به آن برمی‌خوریم، احتمالاً دریافت کننده ظرف وقف شده است (و شَوَر-آسو وقف کننده ظرف). این نام ممکن است با الهه‌ای به نام $hu-u[m]-r\text{-}šur-at$ مرتبط باشد که در «پیمان نامه نارام سین» ذکر شده است^{۱۷}. اگر این فرضیه درست باشد، هَومَشَت باید به عنوان یک الهه در متن LEI17/Q در نظر گرفته شود.

۱۰. بنگرید به: Zadok 1984, 7, no. 17.

۱۱. Hinz and Koch 1987: 84. تفسیر دیگری برای آسو پیشنهاد می‌کنند: «شبهه به، به نظر آمدن».

12. Hinz and Koch 1987: 987.

۱۳. Bavant 2014: 294-297; Khacikjan 1998: 15; Grillot-Susini 1973.

که ترجمه می‌کند: $si-ia-an\text{-}pi-ni-kir_{10}\text{-}na-pir_2-u_2\text{-}ri-na$ (König 1965 no 80 V)

مانند König یا Malbran-Labat, 1995: 40، را به معنای «معبد پینکیر، الهه من» و $-na$ را به عنوان یک نشانگر دوم در نظر می‌گیرند. نقش‌نمای اضافه $-na$ معمولاً به عنوان یک پدیده زبان‌شناختی متأخرتر (دوره هخامنشی) در زبان هَمتیایی در نظر گرفته می‌شود. در مورد متن آغاز-ایرانی جدید LEI17/Q، انتظار می‌رفت که $siyan\text{-}hiš(-)mani-r(-)me$ ، با پسوند غیرزنده $-me$ که به $siyan$ مرتبط است، استفاده شود. استفاده از پسوند غیرزنده na احتمالاً تفاوت‌های ظریف در بیان نقش‌نمای اضافه را نشان می‌دهد.

۱۴. بنگرید به: König 1965.

$su-un-ki-ir\text{-}ha-ta-am-ti-ir-an-ka\text{-}ru-ri-na$: no. 9 III b XI

$tu-ur-ri-na$: no. 20 II

$a-ak\text{-}tu_4\text{-}ut-ri-na$: no. 28A § 12

$in-ki_2\text{-}ri-na$: no. 54 § 14

$ša_2\text{-}ak\text{-}in-ta_2\text{-}ta_2\text{-}ri-na$: no. 75 § 14

$ru-tu_2\text{-}šu-tu_2\text{-}ha-ni-ik-u_2\text{-}ri-na$: no. 76 § 3, 7

$[su]-ul-ra-ir-ra\text{-}na-[pir_2]\text{-}u_2\text{-}ri-na$: no. 76 F. II

$a-ak\text{-}si-ia-an\text{-}dpi-ni-kir_{10}\text{-}na-pir_2-u_2\text{-}ri-na$: no. 80 V

$a-ak\text{-}hu-ut-ur-tu_4\text{-}uk-ku\text{-}su-kir_{10}\text{-}hal-ka_4\text{-}taš\text{-}at-tu_3\text{-}ri-na$: no. 86 V

توالی $me-en\text{-}su-ri-na$ نیز ذکر شده است (Lambert 1974, no. 2: 1, 3, 5, 8, p. 10-11).

۱۵. بنگرید به: Bavant 2021: 14.

16. König 1965 no. 2 I § 1

واژگان خاص:

مَریشی

این واژه ممکن است به نام جغرافیایی معروف مَریشی (به زبان سومری) یا پَریه شوم (به زبان اکدی) اشاره داشته باشد. این مکان احتمالاً در بخش جنوبی فلات ایران قرار داشته است (از شرق فارس تا بلوچستان، شامل استان کرمان؛ به تصویر ۲ نگاه کنید) و در متن‌های میان‌رودان از زمان سارگن اکدی تا زمان حمورابی پادشاه بابل، میان سال‌های ۲۳۰۰ تا ۱۷۵۰ پیش‌ازمیلاد، ثبت شده است.

در این‌جا نحوه نوشتن و تلفظ نام مَریشی در زبان‌های مختلف آورده شده است:

هَمتیایی $/mar\ a\ p\ \check{s}a(y)i/$

که به صورت $ma-ra-p_2-\check{s}-ša-i$ به خط آغاز-ایرانی جدید نوشته می‌شود.

سومری $/mar\ h\ a\ \check{s}\ i/$

که به صورت $mar-ha-\check{s}i$ به خط میخی نوشته می‌شود.

اکدی $/para\ h\ \check{s}\ um/$

که به صورت $pa_2-ra-ah-\check{s}um$ به خط میخی نوشته می‌شود. با این حال، علت وجود حرف صامت $p/$ در ریشه هَمتیایی این واژه و عدم حضور آن در منابع میان‌رودان، جایی که به جای آن حرف صامت $h/$ وجود دارد، همچنان نامعلوم است. اگر این فرضیه درست باشد، ممکن است در این‌جا با نام بومی (خود نام یا autotoponym) این دولت مهم مواجه باشیم. شایان ذکر است که تشابه چشمگیری میان نام احتمالی مَریشی و نام‌های ثبت‌شده بسیار متأخرتر $Marap(p)iya(\check{s})$ و $Vallat$ $Marabba(\check{s})$ (1993: 170) وجود دارد که در چندین گل‌نوشته از بایگانی خزانه‌ی تخت‌جمشید دیده می‌شوند (Haddock 1969). Benveniste (1958: 56-57) $Marap(p)iya(\check{s})$ را با $Maraphi(o)$ i در متن هرودوت (Herodotus I, 125) یکی دانسته است، که سپس Hallock (1969: 725) آن‌ها را به‌عنوان «یکی از سه قبیله اصلی پارسی» معرفی کرده است.

شَوَر-آسو

نام شَوَر-آسو (شَوَر-آسو یا شَوَر-آسو) ممکن است با شَوَر، که شاید به معنای «پیروزی، غلبه» باشد، تفسیر شود^{۱۸} و احتمالاً شامل نام ایزد آسو (مقایسه کنید با تَپیر - آسو، همسر اَنَتش - تَپیرش) (بنگرید به 17, no. 7, Zadok 1984).

9. Hinz and Koch 1987, 1178: s.v. $\check{s}u-ma$.

یک فعل به صورت $\check{s}u-ma-ah$ «من نصب کردم»، در König 1965, no. 54 §§ 32, 37, 40, 47, 55 and 54b [1], 4 ثبت شده است.

Desset F.; K. Tabibzadeh, M. Kervran, G.-P. Basello and G. Marchesi
2022 "The decipherment of Linear Elamite writing", *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie* 112/1, p. 11-60.

2025 *Linear Elamite inscriptions and related Cuneiform texts*, OrientLab Series Maior, Ante Quem editor, Dipartimento di Storia Culture e Civiltà dell'Università di Bologna.

Grillot-Susini, F.
1973 "La postposition genitive -na en elamite", *Cahiers de la Délégation Archéologique Française en Iran* 3, p. 115-169.

Hallock, R. T.
1969 *Persepolis Fortification Tablets*, Oriental Institute Publications 92, The University of Chicago Press, Chicago.

Hinz, W.
1969 "Eine neugefundene altelamische Silbervase", *Altiranische Funde und Forschungen*, Walter de Gruyter, Berlin, p. 11-44.

Hinz W. and H. M. Koch
1987 "Elamisches Wörterbuch", *Archäologische Mitteilungen aus Iran* 17.

Khačikjan, M.
1998 *The Elamite language*, Documenta Asiana IV, Consiglio nazionale delle ricerche, Istituto per gli studi micenei ed egeo-anatolici, Roma.

König, F. W.
1965 *Die elamischen Königsinschriften*, Archiv für Orientforschung, herausgegeben von Ernst Weidner, Beiheft 16, Graz.

Lambert, M.
1974 "Deux textes élamites du III^e millénaire", *Revue d'assyriologie et d'archéologie orientale* 68, p. 3-14.

1979 "Le prince de Suse Ilish-Mani et l'Elam de Naramsin à Ibisin", *Journal asiatique* 267, p. 11-40.

Malbran-Labat, F.
1995 *Les inscriptions royales de Suse: briques de l'époque paléo-élamite à l'Empire néo-élamite*, Musée du Louvre, département des antiquités orientales, Réunion des musées nationaux, Paris.

Owen, D. I.
2013 "Treasures of the sacristy", *Revue d'assyriologie et d'archéologie orientale* 107, p. 29-42.

Porada, E.
1990 "More seals of the time of the sukkalmah", *Revue d'assyriologie et d'archéologie orientale* 84, p. 171-181.

Potts, D. T.
2008 "Puzur-Inšušinak and the Oxus Civilization (BMAC): reflections on Šimaški and the geo-political landscape of Iran and central Asia in the Ur III period", *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie* 98/2, p. 165-194.

Sarianidi, V.
2005 *Gonur Depe, city of kings and gods*, Miras, Ashkhabat.

Steve, M. -J.
1989 "Des sceaux-cylindres de Šimaški", *Revue d'assyriologie et d'archéologie orientale* 83, p. 13-26.

Sumner, W. M.
1974 "Excavations at Tall-i Malyan, 1971-72", *Iran* 12, p. 155-175.

Vallat, F.
1993 *Les noms géographiques des sources suso-élamites*, *Répertoire géographique des textes cunéiformes XI*, Dr. L. Reichert, Wiesbaden.

Van Bladel, K. T.
2021 "The language of the Xūz and the fate of Elamite", *Journal of the Royal Asiatic Society* 31/3, p. 447-462.

Zadok, R.
1984 *The Elamite onomasticon*, Supplemento no. 40 agli *Anali* - vol. 44, fasc. 3, Istituto universitario orientale, Naples.

در عنوان جمله اول، زَن مَرِشِی-ر «بانوی مَرِشِی»، کلمه زَن معمولاً به الهه‌ها اطلاق می‌شود و آن‌ها را با یک مکان مرتبط می‌کند.^{۱۷} شاید عنوان بانوی مَرِشِی برای الهه هومشت استفاده شده است و معبد هیش(-مَنی-ر معبد این الهه باشد.

ت-ن

این واژه به معنای «معتدلانه» است و می‌تواند به «خیرخواهانه، فروتنانه» ترجمه شود.^{۱۸}

سپاسگزاری

از مریم دوسه که زحمت ترجمه این مقاله را بر عهده داشتند سپاسگزارم. همچنین از دکتر جبرئیل نوکنده رییس کل موزه ملی ایران که امکان مطالعه این اثر را برای من فراهم کردند سپاسگزاری می‌کنم. از آقایان جلیل بختیاری، سجاد علی‌بیگی و میثم شهسواری که در ویرایش متن فارسی مرا یاری کردند بسیار سپاسگزارم.

منابع:

دوسه، فرانسوا
۱۴۰۱ "رمزگشایی خط آغاز ایرانی جدید، سیستم نگارش ایرانی «عیلامی خطی» متعلق به هزاره سوم پیش‌ازمیلاد"، *داستان باستان ضمیمه رایگان روزنامه شرق* ۱۴ اسفند، صص. ۴-۱۱.

سفرزاد، علی اکبر
۱۳۹۶ "جام عیلامی، نویافته‌ای از تخت جمشید"، *باستان پژوهی*، شماره ۲۰، ص. ۴۲.

References

Amiet, P.
1986 *L'âge des échanges inter-iranien, 3500-1700 avant J.-C.*, Notes et documents des Musées de France 11, Editions de la réunion des musées nationaux, Paris.

2007 "Elam et trans-Elam". *À propos de sceaux-cylindres de la collection du Dr. Serge Rabenou: Revue d'assyriologie et d'archéologie orientale* 101, p. 51-58.

Bavant, M.
2014 *Résultat, diathèse et possession en basque, vieux perse et élamite* (PhD dissertation, University of Amsterdam), Amsterdam Center for Language and Communication (ACLC), LOT-Utrecht.

Benveniste, E.
1958 "Notes sur les tablettes élamites de Persépolis", *Journal asiatique* 246, p. 49-65.

Calmeyer, P.
1989 "Beobachtungen an der Silbervase aus Persepolis", *Iranica Antiqua* 24, p. 79-85.

Desset, F.
2018 "Nine Linear Elamite texts inscribed on silver 'gunagi' vessels (X, Y, Z, F, H, I, J, K' and L'): new data on Linear Elamite writing and the history of the Sukkalmah dynasty", *Iran* 56/2, p. 105-143.

2022 "Considerations on the history of writing on the Iranian Plateau (ca. 3500-1850 BC)", *Journal of archaeology and archaeometry* 1/1, p. 1-11.

17. König 1965: 212.

مانند کیرپریش (کیرپریش یا کیرپریش) بانوی لَین، پرتی (= مَشِتی)، بانوی تَریش، بلتی بانوی تنتر، نیززین تیرسین بانوی لَیین، منزت و اوپورکویک نیز به عنوان زَن توصیف شده‌اند.

18. Hinz and Koch 1987: 317-318.

بگیرید به: König 1965

te-na su-ku-uk-na: no. 75 § 32

te-na u₂-tu-ru-uk-ka₄: no. 76 § 31

te-en-na: no. 74 § 64

te-nu-um: no. 73 § IX

te-ma: no. 54 § 22